بسمه تعالی

***موضوع****:* عدول از حمد به تسبیحات /قرائت /صلاه

فهرست مطالب:

[مسئله 6: حکم عدول از سورۀ حمد در رکعت سوم وچهارم 1](#_Toc127706362)

[بررسی اشکال تحقق زیاده در نماز 2](#_Toc127706363)

[بررسی فرمایش آیت الله سیستانی در حل اشکال 2](#_Toc127706364)

[جواز از اشکال به بیان ذکر الله بودن 3](#_Toc127706365)

[تقویت جواب مذکور در بیان مختار 4](#_Toc127706366)

[نقد کلام محقق خویی رحمه الله 5](#_Toc127706367)

[جواب دیگر: جریان حدیث لاتعاد 6](#_Toc127706368)

[مسأله 7: سبق لسان از حمد به تسبیحات و بالعکس 7](#_Toc127706369)

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته مسئله عدول از حمد به تسبیحات مطرح گردید که یکی از اشکالات مهم آن، مسئله صدق زیاده در نماز بود. چهار جواب از این اشکال از جانب أعلامی همچون محقق حائری، محقق خویی، آیت الله سیستانی و استاد داده شد. در این جلسه به تکمله این بحث پرداخته می شود.

# مسئله 6: حکم عدول از سورۀ حمد در رکعت سوم وچهارم

سید می فرماید:

«إذا كان عازماً من أوّل الصلاة على قراءة الحمد يجوز له أن يعدل عنه إلى التسبيحات، وكذا العكس بل يجوز العدول في أثناء أحدهما إلى الآخر، وإن كان الأحوط عدمه»*[[1]](#footnote-1)*

بحث راجع به عدول در رکعت سوم و چهارم در اثناء سورۀ حمد و تسبیحات یا عدول در اثناء تسبیحات به سورۀ حمد بود.

## بررسی اشکال تحقق زیاده در نماز

عرض شد که اشکال مهم این است که با عدول به تسبیحات صدق زیاده در نماز می کند؛ زیرا حمد ناقصی که خوانده شده زائد می شود و در روایت آمده است: «من زاد فی صلاته فعلیه الإعاده»[[2]](#footnote-2) محقق خویی فرموده اند که این ادله شامل جعل السابق زیاده نمی شوند[[3]](#footnote-3). مرحوم شیخ عبدالکریم حائری نیز این مطلب را دارند[[4]](#footnote-4).

### بررسی فرمایش آیت الله سیستانی در حل اشکال

آیت الله سیستانی فرموده اند که این کلام درست نیست و مشمول عمومات زیاده در نماز می شود. سپس جواب دیگری داده اند که چون در صدق زیاده مسانخت زائد با مزید فیه معتبر است، اگر سورۀ حمد را زیاد می کرد، مسانخ بود، ولی نصف سورۀ حمد، اعتبار شرعی نشده است که جزء الجزء، جزء باشد. اصل اینکه زائد باید مسانخ باشد نظر عده ای از بزرگان است و مثال می زنند که اگر به یک ظرف شیر سکه ای بیندازید «زاد فی اللبن» نمی گویند، ولی اگر شیر اضافه کنید صدق می کند. در طواف نیز می گویند اگر یک شوط دیگر بیاورید زیاده صدق می کند ولی یک دعای اضافه خواندن باعث زیاده نمی شود. آیت الله سیستانی این نظر را دارند و تطبیق بر مقام کرده اند که نصف سورۀ حمد مسانخ با اجزاء نماز نیست. در ادامه فرموده اند: در فرض شک در صدق زیاده نیز برائت ازمانعیت جاری می شود.

به نظر ما این فرمایش تمام نیست؛ زیرا:

اولا: این فرمایش ایشان که نصف الحمد مسانخ با اجزاء نیست، خلاف مرتکز عرفی است. در صدق زیاده اگر نصف جزء مسانخ نیز آورده شود، عرفا زیاده صدق می کند. مثل اینکه کسی نصف تشهد را در رکعت اول بیاورد، زاد فی صلاته بر آن صدق می کند. بیش از این در صدق زیاده معتبر نیست که مسانخ با مزید فیه باشد، اما اینکه جزء کامل باشد، لزومی ندارد.

ثانیا: این فرمایش ایشان در عدول از سورۀ حمد به تسبیحات پیش می آید که نصف سورۀ حمد را می خواند و عدول به تسبیحات می کند، اما عدول از تسبیحات به سورۀ حمد که ایشان فرموده اند اگر سبحان الله بگوید اتیان به تسبیحات است. باید آنجا فرض کنند که فقط سبحان را بگوید، وگرنه اگر سبحان الله بگوید، وقتی می خواهد احتیاط کند، عدول به سورۀ حمد می کند. این بیان ایشان نمی آید؛ زیرا جزء مسانخ را آورده و سپس سورۀ حمد را آورده است، زیاده صدق می کند. خود ایشان فرموده اند: اگر کل سورۀ حمد را بخواند و سپس تسبیحات بگوید زیاده صدق می کند. حال اگر از سبحان الله عدول به سورۀ حمد کند، اینجا دیگر ایشان نباید اشکال را قابل حل بداند؛ زیرا به نظر استدلالی ایشان جزء کامل سبحان الله است. اینکه اکتفاء به سبحان الله کند، خود آیت الله سیستانی فرموده اند خلاف احتیاط است، اجازه داده اند که عدول به سورۀ حمد شود. می گوییم وقتی اجازه داده اند، اشکال می شود که فرمایش شما جور در نمی آید؛ زیرا زیاده در اینجا نیز صدق می کند.

### جواب از اشکال به بیان ذکر الله بودن

برخی دیگر در جواب از اشکال اینگونه پاسخ داده اند که نصف سورۀ حمد مصداق ذکر الله است و در روایت آمده است: «کلما ذکرت الله و النبی فهو من الصلاۀ»[[5]](#footnote-5) و لذا اصلا زیاده صدق نمی کند؛ زیرا هرچه زیاده در نماز کند این جزء نماز می شود و حد یقفی ندارد که بگوییم بیش از این زاد فی صلاته است. وقتی شخص نصف سورۀ حمد را می خواند مصداق ذکر الله است.

ایشان جواب داده اند که این بیان صحیح نیست؛ زیرا ما دلیل نداریم که ذکر الله در نماز مطلقا مستحب باشد. روایت صحیحه حلبی را ایشان قدر متیقن در تشهد می نامد زیرا متنی که در روایت آمده چنین است:

« مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع‏ كُلُّ مَا ذَكَرْتَ اللَّهَ بِهِ وَ النَّبِيَّ ص فَهُوَ مِنَ الصَّلَاةِ وَ إِنْ قُلْتَ- السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ فَقَدِ انْصَرَفْتَ»[[6]](#footnote-6)

ذیل حدیث مسئله تشهد را مطرح کرده و شاید می خواهد بگوید در تشهد هرچه ذکر الله و النبی بگویید اشکال ندارد ولی وقتی به السلام علینا و علی عباده الله الصالحین رسیدید که اهل عامه نیز می گویند، دیگر نگویید زیرا موجب خروج از نماز است. بعد آیت الله سیستانی فرموده اند: گفته نشود که در رکعت اول ودوم که مأموم اقتداء به امام کرده و صدای امام را نمی شنود، مستحب است که تسبیح بگوید پس معلوم می شود که ذکر الله مستحب است. ایشان می فرماید این مورد خاص است و نمی توان تعدی به سایر موارد کرد، علاوه بر اینکه مکلف این تسبیحات را به قصد ذکر مطلق می گوید.

#### تقویت جواب مذکور در بیان مختار

به نظر ما جواب ایشان تمام نیست و اتفاقا به نظر ما یکی از جواب های مهم در مقام این است که گفته شود نصف حمد را بخواند ذکر الله است و هر کسی هر چقدر در نماز ذکر الله بگوید، عرفا زیاده در نماز نمی شود. این جواب متین است و اشکال آیت الله سیستانی مناقشاتی دارد:

اولا: خلاف فتوای خود ایشان است. در عروه ای که با حاشیه خود ایشان چاپ شده است، چنین آمده است که سید می فرماید:

« لا بأس بالذكر و الدعاء في جميع أحوال الصلاة بغير المحرّم، و كذا بقراءة القرآن غير ما يوجب السجود و أما الدعاء بالمحرّم كالدعاء على مؤمن ظلما فلا يجوز بل هو مبطل للصلاة»

ایشان در تعلیقه فرموده اند:

« فيه منع»[[7]](#footnote-7)

ایشان حتی دعای محرم را نیز فرموده اند که مبطل نماز نیست. مثل اینکه وسط نماز یک خانومی از دست همسرش عصبانی باشد و دعای مرگ وی را کند، نهایت این است که دعای بر علیه مومن است و حرام است، آیت الله سیستانی برخلاف سید یزدی می فرماید نمازش باطل نمی شود؛ زیرا مصداق تکلم نیست، طبعا مصداق زیاده نیز نیست.

سوال: شاید ایشان به دلیل عدم قصد جزئیت در آنجا باطل نمی داند.

پاسخ: ایشان در بحث زیاده بحث قصد جزئیت را دخیل نمی داند، مسانخت را مطرح می کند. آنچه برای ایشان مهم است مسانخت است، هرچیزی مسانخت داشته باشد صدق زیاده می کند ولی اینجا اینطور فتوا داده اند.

در مسئله 12 می فرماید:

« و أما إذا قصد الذكر و كان داعيه على الإتيان بالذكر تنبيه الغير فالأقوى الصحة»[[8]](#footnote-8)

اصلا در فرضی که داعی قربی ندارد و در هر حالی از احوال نماز الله اکبر می گوید برای اینکه فقط به همسرش بگوید مواظب بچه باشد. مثل کسی که چند بار در نماز الله اکبر می گوید برای اینکه به همسرش بگوید مواظب بچه باشد. بنابراین اشکال اول این است که این فرمایش ایشان خلاف فتاوی ایشان است.

ثانیا: چه وجهی دارد که صحیحه حلبی را به خصوص تشهد منصرف بدانیم؟ روایت می گوید:

« كُلُّ مَا ذَكَرْتَ اللَّهَ بِهِ وَ النَّبِيَّ ص فَهُوَ مِنَ الصَّلَاةِ»

چرا بگوییم که در خصوص تشهد است؟ اینکه بعد از آن مسئله تشهد را مطرح کرده است، به این دلیل است که تناسب داشت برای اینکه بخواهند بگویند هرچه ذکر می گویید اشکال ندارد ولی «السلام علینا»را نگویید. متعارف بود که عامه در تشهد رکعت دوم می گفتند و ائمه می خواستند بگویند اگر در رکعت دوم بگویید نمازتان باطل می شود، ولی اینکه این تعبیر باعث شود مسئله مختص به تشهد شود وجهی ندارد.

موید جواز ذکر نسبت به خدا و پیامبر در جمیع حالات نماز این است که در روایات دیگر مثل صحیحه حلبی چنین آمده است:

« عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا عَطَسَ الرَّجُلُ فِي صَلَاتِهِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ»[[9]](#footnote-9)

در موثقه ابی بصیر آمده است:

« مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُعَلًّى أَبِي عُثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَسْمَعُ الْعَطْسَةَ وَ أَنَا فِي الصَّلَاةِ فَأَحْمَدُ اللَّهَ و أُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ ص قَالَ نَعَمْ وَ إِذَا عَطَسَ أَخُوكَ وَ أَنْتَ فِي الصَّلَاةِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَ إِنْ كَانَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ صَاحِبِكَ الْيَمُّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ»[[10]](#footnote-10)

راجع به دعا و مناجات الرب نیز صحیحه علی بن مهزیار آمده است:

« أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنِ الرَّجُلِ يَتَكَلَّمُ فِي صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ بِكُلِّ شَيْ‏ءٍ يُنَاجِي رَبَّهُ قَالَ نَعَمْ»[[11]](#footnote-11)

هر چیزی که مناجات رب باشد، جایز است. مناجات رب نیز ظاهرا اختصاص به دعا ندارد. سبحانک اللهم و بحمدک، مناجات الرب است. الحمدلله، سبحان الله، همه ی این اذکار مناجات الرب هستند. خلاصه عرض ما این است که اتیان به بعض سورۀ حمد مثلا ولو اینکه با قصد جزئیت باشد، عرفا زیاده در نماز نیست؛ زیرا ما وقتی بعض سورۀ حمد را خواندیم جزء نماز می شود؛ زیرا مصداق مناجات الرب و قرائت بعض آیات قرآن می شود و مصداق ذکر الله می شود.

### نقد کلام محقق خویی رحمه الله

اگر اشکال محقق خویی را مطرح کنید که منع از قصد جزئیت کرده اند، منتهی اینجا چون اولش قصد داشتید که سورۀ حمد بخوانید و بعد رها کردید جعل السابق زیاده می شود، می گوییم قصد جزئیت نسبت به این مسمای نماز اشکالی ندارد. شخص می تواند هر چه خواست ذکر خدا بگوید و جزء این مسمی می شود. مثل اینکه مولا گفت خانه بساز، من می توانم یک خانه بسازم که یک اتاق داشته باشد، می توانم یک خانه بسازم که سه اتاق داشته باشد. اگر بگوییم آن دو اتاق جزء این خانه می شود اشکالی ندارد؛ زیرا به شرط لا نبود، لابشرط از اتاق بود. اینجا نیز می توان گفت نصف سورۀ نیز ذکر الله است. مناجات رب است. هر چه بخواند این نماز می شود.

بلی، اگر می گویید که قصد جزء واجب بما هو جزء واجب نشود، اولا مردم اینطور قصد جزء واجب نمی کنند. حتی تسبیحات اربعه نیز می گویند توجه ندارند و نمی گویند که این جزء واجب است یا نیست. مخصوصا در تسبیحات اربعه که علماء نیز آن را واجب تعیینی ندانسته اند تا قصد جزء واجب کنند. می خوانند و ممکن است قصد نیمه کنند. قصد جزء واجب نمی کنند.

ثانیا: برفرض که قصد جزء واجب کنند، این زیاده در تشریع است و زیاده در خارج نیست. در حالی که «من زاد فی صلاته» ظهور در زیاده در خارج دارد. کسی که مثلا می گوید قنوت در نماز واجب است، زیاده در نماز کرده است ولی نه اینکه قنوت گرفتن در نماز زیاده است، بلکه این تشریع و این فتوا که قنوت را جزء واجب نماز دانسته است، دچار زیاده تشریعی شده است. در حالی که روایت «من زاد فی صلاته» ناظر به زیاده در عمل است. تشریع حرام است ولی نماز باطل نیست.

بنابراین خلاصه عرض ما این است که صدق زیاده نمی کند؛ زیرا هر چه شخص از سورۀ خواند مصداق قرائت قرآن است و ظاهر ادله این است که قرائت قرآن در نماز مستحب است و فتوای آقایان نیز همین است. مصداق ذکر الله و مناجات الرب است و جزء نماز می شود و قصد جزئیت نماز هم بشود اشکالی ندارد.

سوال: در مناجات لازم نیست که قصد مناجات شود؟ اگر کسی فقط حکایت کند، مناجات نکرده است.

جواب: بحث سورۀ حمد است. الحمدلله رب العالمین را عرف مناجات الرب می داند.

### جواب دیگر: جریان حدیث لاتعاد

اگر کسی اصرار کند که مصداق من زاد فی صلاته است، (که آیت الله سیستانی فرموده اند اگر کامل خوانده شود مصداق من زاد است). باز هم می گوییم مشکل حل است؛ زیرا بعد از اینکه شخص نصف سورۀ حمد را رها کرد، یا مثالی که گفتیم آیت الله سیستانی باید بپذیرند که شخص سبحان الله بگوید و بعد ادامه ندهد، مصداق من زاد است، اما حدیث لاتعاد در مقابل آن است. فقط منصرف از کسی است که در هنگام احداث زیاده متعمد باشد، در حالی که خیلی وقت ها موقع احداث زیاده متعمد نبوده است. مثل مواردی که شخص وسط کار اشکال برایش پیش می آید و وارد تسبیحات می شود. از اول تصمیم بر عدول نداشت، لذا حدیث لاتعاد شامل آن می شود. زیاده غیر عمدیه است. اگر حدیث لاتعاد حاکم بر من زاد باشد که خیلی ها قائل هستند، (مثل محقق خویی و آیت الله سیستانی و آیت الله تبریزی) در این صورت حاکم بر من زاد است و مشکل حل می شود. اگر هم کسی مثل امام و ما قائل شود که عرفا من زاد فعلیه الاعاده لسان واحد هستند و لسان حاکم و محکوم نیستند، در این صورت تعارض و تساقط می کنند، رجوع به اصل برائت می شود.

ان قلت: شما قبلا گفتید رجوع می‌‌کنیم به یک خطاب سوم مثل صحیحه علی بن جعفر که متن آن « لاتقرأ فی المکتوبة بشیء من العزائم فان السجود زیادة فی المکتوبة» بود. این روایت طرف معارضه نیست؛ زیرا حدیث لاتعاد نسبت به این روایت حاکم است، این روایت که لسانش علیه الاعادة که نیست، من زاد فعلیه الاعادة هم که با این متوافق است، پس این روایت معتبره طرف معارضه نیست، بعد از معارضه لاتعاد و من زاد فعلیه الاعاده، رجوع به این خطاب می شود.

جواب: این روایت نهی از احداث زیاده می‌‌کند و بیشتر از این ظهور ندارد. می‌‌گوید: لاتقرأ‌ فی المکتوبة بشیء من العزائم برای این حکم تعلیل «فان السجود زیادة فی المکتوبة» را آورده است. این خطاب بیش از نهی از احداث زیاده دلالت نمی‌کند و لذا هیچ دلالت نمی‌کند که شامل موارد ترک حمد و تبدیل آن به تسبیحات شود. عموم تعلیل گفت السجود زیادة فی المکتوبة، حکم زیاده را بیان نکرد، ‌قدرمتیقن از حکم زیاده در این روایت نهی از احداث زیاده است، بیشتر از این ما دلیل نداریم.

بنابراین به نظر ما عدول در اثناء‌ سوره حمد به تسبیحات یا بالعکس هیچ اشکالی ندارد.

# مسأله 7: سبق لسان از حمد به تسبیحات و بالعکس

سید می فرماید:

«لو قصد الحمد فسبق لسانه الی التسبیحات، فالاحوط عدم الاجتزاء‌ به وکذا العکس نعم لو فعل ذلک غافلا من غیر قصد الی احدهما فالاقوی الاجتزاء به و ان کان من عادته خلافه»[[12]](#footnote-12).

صاحب عروه دو فرض را مطرح می کند:

**فرض اول** جایی است که قصد سورۀ حمد را داشت و سبق لسان شد، به جای آن سبحان الله گفت. در این صورت احتیاط واجب در عدم اکتفاء به آن است.

**فرض دوم** این است که قصد سوره حمد و تسبیحات نداشت، غافل بود از قصد سوره حمد یا قصد تسبیحات، در حال غفلت گفت سبحان الله، یا گفت الحمد رب العالمین سوره حمد را خواند این‌جا الاقوی الاجتزاء به.

بحث در فرق بین فرض اول و دوم است. برخی مثل امام و محقق بروجردی، برخلاف سید یزدی قائل به عدم فرق شده اند. اگر مکلف قصد عنوان آن فعلی که انجام داد، مثلا تسبیحات گفت، اگر قصد عنوان تسبیحات را داشت و لو ارتکازا، عملش صحیح است، در غیر اینصورت اقوی عدم اجتزاء چه در فرض اول چه در فرض دوم است. مرحوم آیت الله خوانساری نیز فرموده اند در هر دو فرض احتیاط کند و اکتفاء به عمل نکند.

آیت الله سیستانی فرموده قصد عنوان تسبیح لازم نیست، قصد عنوان حمد لازم نیست، چیزی که لازم است این است که قصد اتیان به نماز داشته باشد به داعی امتثال امر خدا، به داعی قربت الی الله، همین کافی است، سبق لسان خیلی جاها منافات ندارد با قصد قربت چون همین سبق لسانش گزاف که نیست، ناشی است از آن اعتیادش که موجب ارتکاز نفسانی شده که امتثال امر خدا بکند، همین مقدار کافی است و لذا ایشان می‌‌گویند غالبا نتیجه این می‌‌شود که هر دو فرض محکوم به صحت است.

1. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص658.](http://lib.eshia.ir/10028/1/658/عازما) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص355.](http://lib.eshia.ir/11005/3/355/زاد) [↑](#footnote-ref-2)
3. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج14، ص486.](http://lib.eshia.ir/71334/14/486/زیادۀ) [↑](#footnote-ref-3)
4. . الصلوة (حائری)، صفحه: ۱۴۶. [↑](#footnote-ref-4)
5. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص338.](http://lib.eshia.ir/11005/3/338/الله) [↑](#footnote-ref-5)
6. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص338.](http://lib.eshia.ir/11005/3/338/ذکرت) [↑](#footnote-ref-6)
7. . العروة الوثقی (سیستانی)، جلد: ۲، صفحه: ۱۹۸. [↑](#footnote-ref-7)
8. .همان. [↑](#footnote-ref-8)
9. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص366.](http://lib.eshia.ir/11005/3/366/صلاته) [↑](#footnote-ref-9)
10. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص367.](http://lib.eshia.ir/11005/3/367/أخوک) [↑](#footnote-ref-10)
11. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص326.](http://lib.eshia.ir/10083/2/326/ربه) [↑](#footnote-ref-11)
12. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص659.](http://lib.eshia.ir/10028/1/659/أحدهما) [↑](#footnote-ref-12)